

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

فرستنده: سازمان زنان ۸ مارچ (ایران-افغانستان)  
۲۱ فبروری ۲۰۱۴

## زنان در مقابل دو واپسگرایی پدرسالار: سرمایه‌داری امپریالیستی و بنیادگرایان مذهبی!

۸ مارچ روز جهانی زنان در راه است و ما باز هم برای تحقق بخشیدن به رویای رهائی‌مان مبارزه می‌کنیم. چشم به راه مبارزات خواهران‌مان نشسته‌ایم تا زنجیره هزاران ساله ستم بر زنان را که به قدمت تاریخ، ما را در بند گرفته به یاری دست‌های بی‌شمار زنان تحت‌ستم بگسلیم.

از خودمان سؤال می‌کنیم ما که حدود دو سوم از کار دنیا را انجام می‌دهیم و در عین حال، تنها ده درصد از درآمد جهانی را به دست می‌آوریم و کمتر از یک درصد از دارائی جهان را در اختیار داریم و هفتاد درصد فقرای جهان را تشکیل می‌دهیم؛ سهم‌مان از جهانی که جزء سازندگان اصلی آن هستیم و بار اصلی آن را به دوش می‌کشیم، چیست؟ سهم ما در این میان گسترش خشونت سازمان‌یافته دولتی و متعاقباً خشونت خانگی و اجتماعی است که روزانه یک سوم از ما زنان مستقیماً آن را تجربه می‌کنیم؛ گسترش تجاوزجنسی، قتل، قتل ناموسی، تن‌فروشی، تحقیر، توهین و تهدید و ... گسترش بی‌سابقه بهره‌برداری کالانی از بدن‌های‌مان، نمایاندن «زیبائی زن» به عنوان تنها دارائی‌مان و نقش مادری به عنوان تنها هویت‌مان؛ نزاع بر سر نحوه کنترل بدن ما با پوشاندن یا حراج کردنش به وسیله دولت یا مذهب یا عرف یا فرهنگ یا تقاضای بازار و یا حتی صرفاً تمایل شخصی مردان؛ نزاع بر سر حق کنترل بارداری و یا پایان دادن به آن و ... و بدین ترتیب بدن ما کالائی است که هر روزه عرضه و قیمت‌گذاری می‌شود.

کالانی که یا نحوه استفاده بی‌محابا از آن را در صنعت پورنوگرافی تبلیغ می‌کنند و تعلیم می‌دهند یا در تجارت انسان مبادله می‌کنند و در بازار تن‌فروشی قیمت‌گذاری می‌کنند و با پول معاوضه می‌کنند یا در ازدواج قرارداد و ملاحظات مالی را کاملاً مشروع و توسط قانون و افکار عمومی تقدیس می‌کنند و در نهایت حتی برای تصاحب رایگان این کالا به زنان فردی یا جمعی تجاوز می‌کنند.

در امتداد کارکرد همین نظام مردسالارانه است، آن‌زمان که امپریالیست‌ها برای تقسیم جهان مقابل هم می‌ایستند و به نام «آزادی» و گسترش «دمکراسی» در کشورهای جهان‌سوم جنگ‌های تجاوزکارانه به راه می‌اندازند، باز هم اولین قربانیانش ما زنان هستیم.

در عین حال که ما ارزان‌ترین، مطیع‌ترین، مطلوب‌ترین و سود زاترین نیروی کار برای چرخش سرمایه‌هایشان محسوب می‌شویم اما با «خانه‌دار» خواندمان، کارمان را صرفاً یک «فعالیت درآمدزا» می‌نامند و فوق استثمار ما را مخفی می‌کنند. دست‌مزد پائین‌مان را توجیه و امکان سازمان‌یابی را از ما می‌گیرند. ما را از تکه زمین‌هایمان در روستا

ها می‌رانند تا در ابعاد میلیونی «حاشیه‌نشین» شهرها شویم و زرادخانه تن‌فروشی، تجارت انسان، کارهای «غیررسمی»، خدماتی، بیگاری و نگهداری از فرزندان گرسنه و رها شده و ... باشیم.

وقتی هم که برای تغییر این اوضاع به صف مبارزات اجتماعی می‌پیوندیم، سهم ما رژیم‌های واپس‌گرای اسلامی است که باز هم اولین قربانیانش خود ما هستیم.

متأسفانه تکرار تجربه ما زنان ایران به وضوح نشان داد که پایه ایدئولوژیک، نماد و شاخص یک حکومت اسلامی موقعیت فرودست و بردگی و بی‌حقوقی کامل زنان است و چگونه بنیادگرایان مذهبی همراه با هم‌دستان بین‌المللی‌شان میوهچینان مبارزات عادلانه مردم هستند. وقتی سی و پنج سال پیش از دل مبارزات انقلابی مردم ایران عقب‌مانده‌ترین و زن‌ستیزترین جایگزین ممکن بیرون آمد، در واقع هدفشان این بود که تا حد امکان به حاکمیت ستمگرانه خود مشروعیت و تقدس بخشند و آن را در سیستم سرمایه‌داری جهانی ادغام کنند. شاید بتوان گفت اسلامی کردن نظام پدر/مردسالاری مهمترین عمل در این راستا بود. با استفاده همه جانبه از اهرم های قدرت دولتی روابط ستم بر زن را بر اساس شریعت از نو قالب بندی و بازسازی کردند. این نه فرهنگ ازلی و ابدی "زن مسلمان" است که احیاء شد، بلکه فرهنگ و روابط پدرسالاری اسلامی بود که به پشتوانه سرکوب دولتی مستقر شد. جمهوری اسلامی با صراحت انقیاد زن را در قوانین کدبندی کرد و برای آن دادگاه ها و نیروهای سرکوبگر اجرایی تخصیص داد.

این جایگزین به‌قدری با شرایط غیرانقلابی جهانی هم‌خوانی دارد که می‌بینیم یکی پس از دیگری چه از دل تجاوزات امپریالیستی به عراق و افغانستان و چه از دل مبارزات مردم در خاورمیانه و شمال آفریقا حکوت‌های اسلامی سر بلند می‌کنند و باز هم در مرکز این تغییرات زنان اولین نیروی اجتماعی هستند که باید کنترل و سرکوب شوند. از قانونی شدن شرع علیه زنان در افغانستان و عراق تا اعلام چندمتری در لیبی تا افزایش بی‌سابقه تجاوز و ناقص‌سازی جنسی در مصر تا احیای سنگسار زنان در تونس و سوریه ... و احیای حجاب زنان (چه اجباری و چه اختیاری) که به طرز انکارناپذیری نماد فشرده حاکمیت شرع است.

این‌ها همه جنگ واقعی و خونین این دو قطب پوسیده علیه زنان است که در به انقیاد کشیدن، سرکوب و کنترل زنان برادر و برابرند و برای حفظ منافع مشترکشان با نفرت و خشونت هر چه تمام‌تر یک حکومت‌نظامی جهانی علیه زنان به پا داشته‌اند.

و این ما هستیم در میانه‌ی این جنگ و

این باز هم تکرار همان داستان کهنه و وقیحانه است تجاوز جنسی برای حفظ و دفاع از بکارت

این باز هم چنگ و دندان نشان دادن مردسالارانه است برای کنترل و حراج کردن بدن زنان

این باز هم تکرار تراژدی حضور انبوه و جسورانه زنان است در پروسه تغییرات اجتماعی و دست‌خالی و نا امید، و عقب‌راندن‌شان

این باز هم تکرار داستان انتخاب بین متجاوزین است؛ انتخاب بین بد و بدتر

این باز هم انتخاب «دمکراتیک» پیش روی زنان است: ترجیح می‌دهید تا زیر حجاب و روبند برای تجاوز شرعی مالکین نریتان دست نخورده باقی بمانید و از شما حمایت شرعی شود یا ترجیح می‌دهید با آخرین مدل آرایش و لباس‌های مارک‌دار پشت ویتترین به نمایش گذاشته شوید و قیمت‌گذاری و دست‌مالی و ستایش شوید؟! ترجیح می‌دهید در کنار مردان متجاوز «مبارز» در میدان تحریر باقی بمانید یا ترجیح می‌دهید زیر پوتین ارتش وابسته به غرب از شما حمایت شود؟! ترجیح می‌دهید در کشور خودتان همسری مطیع و مادری «واقعی» باشید که سال‌ها بار زندگی را به تنهایی به دوش می‌کشد و فرزندان را بدون حضور و مسؤولیت پدر بزرگ می‌کند یا ترجیح می‌دهید سر از پشت ویتترین‌های کشورهای اروپایی یا حرم‌سراهای حاشیه خلیج در آورید؟! ترجیح می‌دهید در پروسه استثمار سایر انسان‌ها

و ستم به دیگر زنان نقش بگیری و امتیاز و پیشرفت کسب کنی و قوانین دنیای سرمایه‌داری - پدر/مردسالار از شما حفاظت کند یا ترجیح می‌دهید در گوشه یک کارگاه غیررسمی یا یک کارخانه بزرگ یا یک مزرعه صنعتی استثمار شوید و «خانهدار» بمانید و خداوند به وسیله نمایندگان مذکرش از شما حمایت کند تا امتیازات «آن دنیائی»تان را حفظ نمائید و پاداش اخروی بگیرید؟! ترجیح می‌دهید بر اساس احکام شریعت اسلامی برای ازدیاد جمعیت «امت اسلامی» هر چه بیشتر جهادگر بزائید یا ترجیح می‌دهید توسط کلیسا و بنیادگرایان مسیحی به ماشین جوجه‌کشی مبدل شوید؟ و این باز هم بازگشت به چرخه نافرجام انتخاب بین دو قطب واپس‌گرا، پوسیده، تاریخ گذشته و امتحان پس داده است. دو قطبی که پاسخی برای شرایط امروزی بشر ندارند و از ترس همین فروپاشی پیش رویشان است که اجباراً به دامن یک دیگر چنگ می‌زنند و از یکدیگر حمایت می‌کنند و مجبوراند تضادهایشان با یک دیگر را در مقابل صفوف مردم تحمل کنند و نادیده بگیرند.

این چرخه واپس‌گرا باعث شده تا در عمل مبارزه با یکی از طرفین بدون مرزبندی با دیگری به شکل اجتناب‌ناپذیر ما را در صف مقابل قرار دهد، بدین شکل تقویت هر یک از این دو قطب هرچند با هدف تضعیف و مقابله با دیگری، اما در عمل قطب دیگر را نیز تقویت می‌نماید. از این رو برای کسانی که قربانی شرایط موجوداند، کسانی که بیزار از شرایط موجوداند و کسانی که خواهان مبارزه برای تغییر شرایط موجود هستند، انتخابی جز این نیست که هم‌زمان با هر دو پوسیده مرزبندی و مبارزه نمایند و زنان ستون فقرات این تضاد و این مبارزه‌اند. زنان برای این دو پوسیده زن‌ستیز از یک سو ارتش کار، پیاده نظام و کالای ارزشمندی هستند که بدون جایگاه امروزی آنان این نظم استثمارگرانه و ستمگرانه قادر به ادامه بقای خود نیست و از دیگر سو به واسطه نقش، جایگاه و پتانسیلی که دارند در صورت ورود به میدان مبارزه با افق رهایی خودشان و بشریت قادر هستند کلیه سدهای پوسیده و پدر/مردسالارانه را که در معرض فروپاشی تاریخی هستند، فرو بریزند و دنیای دیگری بسازند.

از این رو ما زنان فقط با مبارزه انقلابی، انترناسیونالیستی، رادیکال و هم‌زمان با این دو قطب تاریخ گذشته ضدزن است که می‌توانیم دستان خون‌آلود، مردانه و «روحانی» آنان را از زندگی میلیون‌ها زن که در خانه‌ها، کارخانه‌ها، مزارع، خیابان‌ها، فاحشه‌خانه‌ها و ... با خشونت بی‌رحمانه و بی‌سابقه‌ای له می‌شوند، کوتاه کرده؛ و راه رهایی و دستیابی به روابط غیراستثمارگرانه و غیرستمگرانه را باز کنیم. هیچ افق روشنی برای رهایی زنان و رهایی بشریت بدون جنگیدن و سرنگونی این دو قطب پوسیده متصور نیست و بدون حضور زنان در این مبارزه، سرنگونی این دو قطب امکان‌پذیر نیست.

سازمان زنان هشت مارچ (ایران-افغانستان)

۱۹ فبروری ۲۰۱۴

[www.8mars.com](http://www.8mars.com)

[zan\\_dem\\_iran@hotmail.com](mailto:zan_dem_iran@hotmail.com)

<https://www.facebook.com/8Marsorg>